



از ایرج میرزا شاعر نامدار اخیر ایران، سه نامه در اختیار داشتم که دو تای آنها در زیر از نظر خوانندگان می‌گذرد و نامه سوم را در کتابخانه‌ام پیدا نکردم. نامه‌ی پیدا نشده را سال‌ها پیش دوست گرامیم آقای نصرت... ش نوح به من لطف کرد. نامه‌ای را که به دست نیاوردم گمان دارم در سال ۱۳۰۰ هـ. ش ایرج از تهران به رشت به کسی نوشته بود و سفارش کسی را کرده بود. ایرج در نگارش نثر همچون نظم شیرین کار بود و بی‌پروا. ایرج خط و ربط و فنون شاعری و دبیری را ابتدا از پدرش آموخت؛ پدرش صدرالشعرا یکی از شعرای درباری بود خط زیبایی داشت و چون در دستگاه ولیعهد مظفرالدین میرزا در تبریز سمتی داشت فرزندش ایرج را به مدرسه‌ی دارالفنون تبریز که شعبه‌ای از دارالفنون تهران بود گذاشت تا به فراگیری زبان فرانسه بپردازد. در همان زمان که ایرج در دارالفنون تبریز به تحصیل مشغول بود نشریه‌ی دارالفنون تبریز را به خط زیبای خود تحریر می‌کرد و آن نشریه به چاپ می‌رسید. نشریه‌ی مذکور چند سال پیش به همت محقق فرزانه آقای سیدفرید قاسمی تجدید چاپ شد. آن نشریه را کسانی که مشغول تحقیق درباره‌ی مطبوعات ایران بودند نمی‌شناختند اما امروز در اختیار دارند. آثار دیگری را که از ایرج به غیر از دیوان شعرش می‌شناسیم شناخت نامه‌ای است که او به دستور مظفرالدین میرزا ولیعهد درباره‌ی شناخت خاندان قاجار نوشته و نسخه‌ی اصل آن اینک در کتابخانه‌ی کاخ گلستان نگهداری می‌شود. ایرج بنا به نوشته عبرت نایینی در مدینه‌ی الادب: چاپ اول، چاپ مجلس شورای اسلامی:

«چون به سن رشد و تمیز رسید پدر او در تربیت وی بکوشید و معلمی بر وی برگماشت تا پارسی را بیاموخت. آن گاه به مدرسه دارالفنون تبریز که شعبه دارالفنون طهران بود جهت تعلیم زبان فرانسه رفته در خارج نیز در حوزه‌ای که آشتیانی‌ها برای تحصیل و تکمیل منطق و معانی و بیان ترتیب داده بودند حضور به هم رسانید و چون سال عمرش به چهارده رسید امیرنظام حسن علی خان گروسی چون در وی استعداد و حسن قریحه و ذکاوت بدید وی را با پرسش که نزد مرحوم میرزا عارف تحصیل ادبیات و نزد مسیو لامپر فرانسوی تحصیل زبان فرانسه و بعضی علوم می‌نموده همدرس کرد. و در آن اوان یعنی در سن چهارده سالگی شعر نیکو می‌گفت و امیرنظام مخصوصاً وی را به گفتن اشعار امر می‌کرد وصله و جایزه می‌داد و خط تحریر و نسخ و تعلیق را نیز فرا گرفته، نیکو می‌نوشت و در اخوانیات دستی به سزا داشت. چنان که در اوقاتی که در دستگاه امین‌الدوله صدراعظم سمت منشی‌گری داشت کلیه اخوانیات را به وی رجوع میکرد. علی‌الجمله چون امیرنظام مدرسه مظفری را به ریاست مسیو لامپر در تبریز افتتاح کرد. ایرج میرزا در آن مدرسه سمت معاونت یافت.»^۱

آنچه را باید درباره‌ی ایرج نوشت زنده یادان عبرت نایینی و دکتر محمدجعفر محبوب در مدینه‌الادب و مقدمه‌ی دیوان ایرج نوشته‌اند به خصوص نوشته‌ی ۵۸ صفحه‌ای محبوب که به همه‌ی جوانب زندگانی ایرج پرداخته است. عبرت آورده است:

«باری چون از تبریز به طهران آمد ریاست کابینه محاکمات مالیه با وی بود. از آن پس به سمت معاونت مالیه خراسان بدان جا رفته چندی رئیس مالیه آن حدود بود.»^۲

از مفاد نامه‌ی اول ایرج که خطاب به آقای امجدالسلطان معاون وزارت عدلیه نوشته، چنین پیداست که شخصی از ایرج ادعای طلب کرده و ایرج به معاون وزارت عدلیه نوشته که: اگر آغا شاهزاده از من طلبی دارد در محضر شرع قسم بخورد که پول به بنده داده تا من جوابگوی او باشم.

متن نامه و دستور معاون عدلیه را در زیر مطالعه می‌فرمایید.

عنوان روی پاکت که به خط ایرج میرزا جلال‌الممالک است به قرار زیر است.

«حضور مرحمت ظهور مبارک جناب مستطاب اجل اکرم امجد افخمم آقای

امجدالسلطان دام اقباله‌العالی مشرف شود.»

و نیز متن نامه‌ی ایرج به امجدالسلطان به قرار زیر است:

«حضور حضرت اجل آقای معاون وزارت عدلیه دام اقباله‌العالی: آنچه البته به



●
انج میرزا

جائی نرسند فریاد است. لااقل بیکی از این دو سه فقره عرض و تظلم شرعی یا قانونی بنده رسیدگی و توجهی فرمائید. در باب ادعای مخدره آغا شاهزاده بر بنده در محاکمات شعبه چهارم، بنده محکوم واقع شده و صورت راپرتی نوشته اند که دوسیه حاضر است که عرض کرده ام این معامله صوری بوده، و جهی به من نرسیده محکمه ابداً به این حرف و عرض بنده اعتنا ندارد. آیا این عرض شرعی نیست و از همه گذشته بنده حق یک قسم بر آغا شاهزاده ندارد؟ چرا جواب این عرض را نمی دهند، مشارالیها حاضر شود در محضر شرع قسم بخورد که پول به بنده داده بعد هر چه تکلیف عدالتی دیوانخانه است معمول دارند اگر باید در این مسئله استیناف خراست سی و یک روز مهلت استیناف از برای تهیه وجه استیناف است بنده وجه حاضر ندارد. اداره اجرا یک روز امان نمی دهد که بنده فکری بکند. پس مقرر فرمائید اجرا چند روزی مهلت بدهد تا بنده تهیه وجه استیناف را کرده و استیناف بخواهد مستدعی است جواب یکی از این دو عرض را به اجرا مرحوم فرمائید که مأمور اجرا مزاحمت نکند و از دریاخانه بنده برخیزد تا بیکی از این دو شق که عرض شده رفتار شود. امر، امر مبارک است.»

عریضه جلال الممالک



وزارت مالیه

اداره

مورخه ۲۳ شهریور ۱۳۲۷

نمره ۳۹۳۴

ساوان دوزارت جدید عدلیه اعظم

در باب دردمرگیت و دردمرگیت زنده بودیم که در باب دردمرگیت
 شمره ۲۳ شهریور ۱۳۲۷ مورخه ۲۳ شهریور ۱۳۲۷
 اینچنینکه دردمرگیت زنده بودیم که در باب دردمرگیت
 دردمرگیت زنده بودیم که در باب دردمرگیت

• دستخط ایرج میرزا

۲۲۲

معاون وزارت عدلیه آقای امجدالسلطان روی پاکت نامهی ایرج نوشته است:

«دایرة جلیله اجرا در صورتی که موعده از استیناف باقی است و آقای
 جلال الممالک استیناف خواهد داد تا انقضای مدت حق استیناف مدارا نمائید
 که تهیه وجه نموده حقوق استیناف را برساند والا هرطور که تکلیف است
 معمول دارید.»

مهر پاکت

جلال الممالک

نامهی دو خط عنوان پاکت از دیگری است و داخل پاکت که مهر جلال
 الممالک را دارد دو نامه موجود است یکی به خط ایرج میرزا جلال الممالک و
 نامهی دیگر که خط دیگری است و بسیار بد خط. و املا غلط و پراز غلط مربوط
 به خانوادهی مستشار دفتر است. شاید این نامه به خط بانویی باشد؟ نامهی
 ایرج، مارک وزارت مالیه را دارد و مورخه ۲۳ شهریور ۱۳۲۷ ق. به شماره ۳۹۳۴
 نوشته شده است موضوع آن در باب ورثه مرحوم مستشار دفتر است
 که متن آن به قرار زیر است. متن نامه ایرج میرزا جلال الممالک:

«علامت شیر و خورشید وزارت مالیه، اداره، مورخه ۲۳ شهریور ۱۳۲۷،

نمره ۳۹۳۴. معاون جلیله عدلیه اعظم. در باب ورثه مرحوم مستشار

صدر وقت محمود بیک حضرت میرا کریم الله قسم الله میرا لیلان دادم در ۱۵ ذی القعدة ۱۳۱۷

در ۱۵ ذی القعدة ۱۳۱۷
دوم ایرج نامی که در این وقت
مستشار دفتر بود در این وقت
مستشار دفتر بود در این وقت
مستشار دفتر بود در این وقت
مستشار دفتر بود در این وقت

دفتر مرقوم رفته بود در مجلس محاسبات حکم شده که باید ورثه مزبور شش صد تومان به حاجی میرزا حسین شالفروش بدهد. موافق تحقیقاتی که از عدلیه اعظم به عمل آمده همچو محکومیتی بود رثه مستشار دفتر داده نشده است که مرحوم شده ورثه استیناف بدهد. در صورتی که در محکمه رسیدگی نشده و حکمی نداده اند چگونه ورثه استیناف بدهند. امضاء»

نامه‌ی دیگری که در این پاکت موجود است و به نظر می‌آید از ورثه‌ی مستشار دفتر باشد که به ایرج نوشته‌اند و نامه‌ی دوم ایرج درباره‌ی موضوع ورثه‌ی مستشار دفتر است که در بالا ملاحظه فرمودید. اینک متن نامه‌ی سوم را که ارتباط با نامه‌ی ایرج دارد ملاحظه می‌فرمایید. این نامه ایامی به ایرج نوشته شده که او رییس محاکمات (وزارت مالیه بوده و ورثه‌ی مستشار دفتر از او خواسته‌اند که ایرج به پرونده‌ی آنها دقیق تر نگاه کند. تا مشکل آنها برطرف شود.

متن نامه‌ای که پیوست نامه‌ی دوم ایرج است:

«تصدقت کردم: در باب یک فقره ماضی که راپرت صادر کرده است عرض کرده بودم مقرر شود دوسیه محاکمه بنده را با راپرت رئیس محاکم ملاحظه نماید اگر بموجب دوسیه راپرت صادر شده است بفرمائید بنده عرضی ندارم و اگر به موجب دوسیه نباید راپرت صادر شود هر چه تکلیفشان است رفتار کنند جوابی

صدر حضرت میر تقی میر و زاری علیہ السلام

آنچه آید بجا نرسد زیاد است
لا اقل یکی از این سه فقره معنی نظم می

باقا نرسد بجهت رسیدن که در باب ادعای مخدومه

در محاکات شعبه چهارم بنده مکوم واقع شده و صورت را بر آن

در تفسیر حضرت که عرض کرده ام این معانی صورت بوده و بهر حال

محکم است این حرف در عرض بنده عرض ندارد آیا این عرض حضرت

جبر کند بنده و یک قسم بر آن افتاده باشد و بگوید این عرض را

بنده اینها را میخواند در کسر شرح قسم بخورد که بول بنده دادند

هر چه گفتند حد الف در بنده است مسخر دارند

اگر آید در این سینه استیاف قیمت سر و گردن استیاف از این

بنده وجه حضرت دارد اداره اجرا یک روز مانده که بنده

پس سر و پند اجرا چند روزی است بر همه تا بنده تهنیت

بجز این عرض بنده که با اولاد حضرت که دارند بنده را
تا یک از این استیاف و بنده را و اولاد حضرت
صلوات الله علیهم

که مرقوم داشته بودید به رئیس محاکم نشان داده شرح نوشته‌اند به نظر مبارک رسیده ملاحظه فرمائید زبانی میفرمائید من هیچ‌کاره هستم اگر بدانم محکمه راپرت برخلاف صادر می‌کند جز آن را هم حقی دیگری ندارم دیدن راپرت برای شما چه فایده دارد مأمور اجرا می‌خواهد (متن می‌خواهد) راپرت را اجرا نماید نه تکلیف بنده معلوم است نه تکلیف مأمور اجرا، استدعا دارم بجز مبصر که حق این کار را دارد بفرمائید دوسیه محاکمه و راپرت بنده [را] ملاحظه نماید اگر حق داشته است راپرت صادر نماید بنده عرض ندارم. والا تکلیف با حضرت مستطاب اجل عالی است همین قدر عرض می‌کنم قدری از وضع (متن وزع) بنده خاطر (متن: خواطر) مبارک مسبوق است. سه سال است عارض هستم و چند فقره راپرت صادر شده هیچ یک (متن: هچ) تا به حال اجرا نشده است یک فقره مصارف (متن: مسارف) به هم رسانیده‌ام و گمانم این است راپرت نباید صادر شود صادر گردیده هر روز مأمور می‌خواهد (متن می‌خواهد) اجرا نماید نمیدانم راپرت‌های بنده چرا نباید اجرا شوند یک فقره را مرقوم داشته بودید مأمور روانه کند برود اجرا اجرا می‌گوید مأمور نداریم روانه کنیم همین قسم معطل مانده است. زیاد عرضی ندارد امضاء درست خوانده نمی‌شود معلوم نیست اسمعیل است یا موسوی؟؟»

این بود آنچه باید در اطراف دو نامه‌ی ایرج میرزا جلال الممالک به نظر خوانندگان عزیز

بخارا برسد.

والسلام.

شعبه‌ی پژوهش‌های علمی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

نشر نوگل منتشر کرده است:

- خاطرات و زندگینامه‌ی دکتر سیدابراهیم چهارزی / به کوشش: مرتضی رسولی‌پور
- خاطرات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دکتر حسین خطیبی / به کوشش: مرتضی رسولی‌پور